

اندرز از مورخ به

روز نامه نویسان

ولتیر فرزند فرزانه فرانسه ، نویسنده ، شاعر و مورخ بزرگ از دانشمندان جهان در قرن هزده بوده است . جایگاهش در تاریخ خیلی مدیع است و او را به حق از پیشروان این فن بهر وجه جدید میخوانند . استاد ومدار کثرا پس از آزمایش و تحقیق اصالت آنها به کار می بست . آثار خود را با ترسیم زندگی و رسوم و عادات مردم و علوم و سیاست ایشان درخشنده گی و گیرایی خاص می بخشید . در آثار تاریخی او یکی به نام (دوره لویی چهاردهم) و دیگری موسوم به (گفتاری بر خوبیها و کردارهای ملل) بهر وجه کاملاً بدیع و بکر نگارش یافته ، نه فقط جنبه های فراموش شده جوامع غربی از قلم گذشتگان ترا ، بلکه ملکات و فضایل مردمان غیر اروپائی را نیز ، تفسیر و بیان می دارند .

ولتیر ، رو بهمرفته در میدان علم مرید لاک و نیوتن از دانشمندان انگلستان بوده ، سخنان فلاسفه و ارجح نمیداده ، تحقیقات (!) ایشان را در قبال تحقیقات ثمر بخش آن دو تن ، که بشر را هشیار ساخته ، مانند افسانه و رو مان در جنب تاریخ عبرت آموز ، که انسان را به حقایق آشنا می سازد ، پیمایش نداد ، لاطایل و بیپوده میدانند . اینست که خود به تاریخ نویسی دست میزدند و نمونه میدهند . در حقیقت او معتقد است که اگر تاریخ نتواند مفید یقین باشد با افسانه و رو مان تفاوتی ندارد . روی همین منظور بهر روز نامه نویسان توصیه می کند که هشیار باید بود ، مبادا از وظیفه سنگین خود غافل ماند و به جای بیدار ساختن مردم ایشان را گمراه کرد . چون او در تصویر ذهن بشر و همچنین در ایجاد جامعه مافوق عقل و شایسته بشریت ، تاریخ را دارنده نقش عظیم میدانند بدایران به آن و خاصه به تاریخ معاصر شیفتگی عجیبی نشان میدهند و پیوسته مطالبه آنرا فرمایش می کنند . آری اثر و نتیجه این بخش تاریخ ، بیگمان ، عمیق تر و مفیدتر است تا بخش های دیگر آن .

اینست اندرزهای ولتیر به روز نامه نویسان قرن هزده تا توصیه های مورخان معاصر ، نظر به شرایط امروز ، به روز نامه نویسان ما چه باشد .

همایون

• شاید آنچه که خبر نگاران عصر ما خیالی در پی آنند تاریخ داستانی باشد، زیرا تاریخ که در دسترس همه کس و یا فتنی تراز دیگر انواع آن باشد دلیل نزدیک بودن آن به ذوقهاست و این نه بدان جهت که کس واقعاً به دریافت حقایق طبیعت، به پیمانها (سوسا ستریس) (۱) و (با کوز) (۲) حاضر و علاقمند نیست بلکه از آن روی نیز که آن مشغله غالباً زحمت فراوان میبخورد و مراقبت جدی لازم دارد و شاید توان گفت به سان دستگاهی که برای پاریس آب کافی تهیه می کند و همه به آن احتیاج مبرم داریم، مستلزم وقت و باخبر بست (۳) و اما برای اینکه داستانهای پیره زنان را که طوما رزمان به ما رسانده، به حافظه بسپاریم تکلیفی جزین در پیش نیست که باید چشم گشود، کتابی را مرور کرد و یا گوش فراداد. این داستانهای کرات شنیده شده و تکرار گردیده، معیناً به حال مامودی و تحولی نبخشید.

پس اگر میخواهی که تاریخ قدیم را توضیح کنی از تو التماس می کنم که اگر به نوشته های کسانی که غالباً عنان اختیار را از دست می دهند و وقتاً فوقتاً با فاجحان از در مخالفت و مخالفت پیش می آیند مواجه شدی به ایشان توجه مکن. بگذار هم چون نویسانی مانند (جوینال) (۴) و (برالو) همین که خود را در ورای سپهر زمان نهفته و مصون یافتند سیل استهزاء و طنز را بر اسکندر مقدونی جاری گردانند. و انگهی از کجا که اگر همین ها در روزگار آن فاتح بزرگ می زیستند دهان به مداحی نمی گشودند و باله و لعب های خود در حوصله او رانگ نمی نمودند. بگذار که اسکندر را دیوانه بخوانند. شما که میخواهید فیلسوف و متفکر بیغرضی باشید، اسکندر

• حواشی این مقاله از همین مترجم میباشد.

۱- Sosostriis پادشاه دوم از خانواده ۱۲ مصر قدیم. در سودان امروزه فتوحات کرد.

۲- Bacchus در متولوژی یونانی و رومی آله شراب و حامی و نگهبان نباتات و حاصلات بوده است
۳- منظور ولتیرا نیست که چنانکه انداختن اندکی زهر در انبار آب آشامیدنی شهری ممکن است موجب تباهی مردم شهر شود روزنامه نویسان هم امکان دارد در اثر بی دانی انگیزه کمراهی و فساد جامعه کردند و گویا ضرر این یک بر آنند بگردد مراتب سنگین تر میباشد.

۴- Decimus Junius Juvenalis قرن ۱-۲ میلادی شاعر هجو گوی رومی خاصه ۱۶ یا ۱۷ هجویه او که هر یک معرف صحنه های دربار است مشهور می باشد او را با هوراس

مقایسه کنند.

را باید به حیث سببه سالاری یونان یا همچون اسکندر بیگ (۱) یا هو نیا دی (۲) بدانید. آری، اسکندر مقدونی نظیر اینان مکلف به کشیدن انتقام کشور خود بود، به این تفاوت که آن یک، نظر به این دو با جلال تر با اقبال تر، با کوفال تر و بالاخره متمدن تر و شاهانه تر بود. او را صرف به حیث کسی که دشمنان یونان را مقهور و منهزم گردایند، دامنه فتوحات خود را تا هند و ستان پهن کرد و قلمرو داریوش را مسخر نمود، نمایش مدید؛ شایسته آنست که او را چنانکه بود ترسیم کنید یعنی کسی که در دنیا لشکر قانون وضع می کرد، چرنشینان او را ههای تجار تی، اسکندریه ها و اسکندرون هایی طرح و احداث می نمود که تا امروز مراکز تجاری شرق میانه به شمار می روند. اینست روشی که در قضاوت پادشاهان باید پیش گرفت و اینست نکاتی که در باره ایشان فراموش گردیده. آیا کدام شخص با انصاف و عادلانه و جو دخواهد داشت که شنیدن احداث بندرگاهها و تعمیر شهرهایی را که به دست سزای صورت گرفت بر شنیدن کشتارهای او ترجیح ندهد؟

بر علاوه خوب است اگر در دماغ جوانان علاقه به تاریخ معاصر را چا پیگیر و را سخنگر دانید. زیرا این موضوع و فهم آن نظر به تاریخ قدیم که محض برای رفع تشنگی علمی و خشنود ساختن ما از بابت حس کنجکاوی کمک می کند، ارزشمند تر و لازمی تر است، بگذارد جوانان با مطالعه و قایح معاصر به این اندیشه بیفتند که آن شعبه تاریخ بدان جهت که معاصر است قرین تر به صواب و بنا بر آن مفید یقین است، من مخصوصا این نکته را به شما سفارش میکنم که مطالعه تاریخ صرف یک قرن

۱- Despreau Nicolas Boileau 1711-1636 شاعر و نقاد ادبی فرانسه که از لحاظ

روش هجویه های ریالیستیک او ستایش می کنند.

۲- Scanderbeg 1468-1404 قهرمان البانیه نام اصلیش جارج سترویتا بود، در دربار سلطان

مراد دوم عثمانی ماند مسلمانی تربیت گرفت و مورد عطا و عنایت بود. در هنگام انحصار دولت عثمانی به وطن خود رفت، ادعای آزادی و استقلال کرد و نیز مرتد شد

پیش از چارلس پنجم، (۱) لیو دهم (۲) و فرانس اول (۳) آغاز می‌یابد و این مقارن همان وقتی است که در دماغ بشر، همچنانکه در خود گیتی، انقلاب عظیمی به وقوع پیوست و همه چیز را دستخوش تحول و دگرگونگی نمود.

آنچه که لیو دهم، شاهان و شهزادگان مدیسی (۴) چارلس پنجم و فرانس اول بنیاد نهادند در قرن ششم، همنند لویی چارده (۵) به پایتخت تکمیل رسید و من از مدت درازی به این سو در پیرامون تاریخی که راجع به قرن گذشته است کار می‌کنم. این قرن در نظر من خیلی مهم است و فکر میکنم می‌بایست آن به حیث نمونه و سرمشق برای قرن آینده بشمار میرفت، ولی به هر حال درین تاریخ می‌کوشم نشان دهم که وضع تحول فکر بشر و احوال هنرهای زیبا، به حیث کل، در زمان لویی چارده از چه قرار بود. امید من آنست که پیش از آن که چشم از جهان پوشم آن را همچون یادگار قیمنداری از عظمت کشور خود به این سرزمین عزیز تقدیم کنم! این مژده را نیز افتخاراً میرسانم که جهة به سررساندن آن بناء مواد کافی در دسترس دارم. درباره کولبر (۶) بزرگ که خدمات بزرگی برای مین خود و برای دنیا انجام داد و منظورش از آن جز خدمت نبود و درباره هوشیاری و عاقبت اندیشی وزیر جنگی همچون (لویی) (۷) که گویسی برای سوق و اداره قشون فاتحی از مادر

۱- Charles Leopold V 1643-90 برادرزاده چارلس چهارم و جنگهای علیه هالند

و در ۱۶۸۳ در مدافع وینا و همچنین در اخراج فرانکها از هنگری حصه گرفت.

۲- LaoX 1475-1521 در ابتداء صرف یک کفرکار دیپلوما ادب دوست و هنرمند بود خاصه

ازین لحاظ که وی حامی رافائل نقاش معروف بوده شهرت زیاد دارد.

۳- Francis I 1496-1546 یکی از شاهان فرانسه.

۴- خانواده ایتالیایی که از قرن ۱۵ تا اواسط قرن ۱۸ سرنوشته موران را تعیین و تثبیت

می کرده اند. متشاهایشان معلوم نیست و اما به زودی دارای املاک گردیده بامتدافین اروپا و ایتالی

بهم رساندند ازین خانواده سه پاپ، دو ملکه فرانسه و چند کشیش و کاردینال به وجود

آمده بود.

۵- Louis XIV 1638-1715 پادشاه فرانسه

۶- Colbert Charles 1625-96 دیپلومات مشهور فرانسه که در کتفرانس (۱۶۶۸)

از کشور خود نمایندگی کرد و مدتی وزیر خارجه لویی ۱۴ بود.

۷- Louvois 1639-91 وزیر جنگ لویی ۱۴ و سیاستمدار مشهور بود.

را باید به حیث سببه سالاری یونان یا همچون اسکندر بیگ (۱) یا هونیادی (۲) بدانید. آری، اسکندر مقدونی نظیر اینان مکلف به کشیدن انتقام کشور خود بود، به این تفاوت که آن یک، نظر به این دو با جلال تر با اقبال تر، با کوپال تر و بالاخره متمدن تر و شاهانه تر بود. او را صرف به حیث کسی که دشمنان یونان را مقهور و منهزم گردانید، دامنه فتوحات خود را تا هند وستان پهن کرد و قلمرو داریوش را مسخر نمود، نمایش مد هیدشایسته آنست که او را چنانکه بود در سیم کنید یعنی کسی که در دلبال لشکر قانون وضع می کرد مهاجر نشین ها و راهای تجار تی، اسکندریه ها و اسکندرون های طریح و احداث می نمود که تا امروز مراکز تجار تی شرق میانه به شمار می روند. اینست روشی که در قضاوت پادشاهان باید پیش گرفت و اینست نکاتی که در باره ایشان فراموش گردیده. آیا کدام شخص با انصاف و عادلانه وجود خواهد داشت که شنیدن احداث بندرگاهها و تعمیر شهرهایی را که به دست سزای صورت گرفت بر شنیدن کشتارهای او ترجیح ندهد؟

بر علاوه خوب است اگر دردماغ جوانان علاقه به تاریخ معاصر را چای-گیر و راسخ گردانید. زیرا این موضوع و فهم آن نظر به تاریخ قدیم که محض برای رفع تشنگی علمی و خشنود ساختن ما از بابت حس کنجکاوی کمک می کند، ارزشمند تر و لازمی تر است، بگذریم از جوانان با مطالعه و قایع معاصر به این اندیشه بیفتند که آن شعبه تاریخ بدان جهت که معاصر است قرین تر به صواب و بنا بر آن مفید یقین است، من مخصوصا این نکته را به شما سفارش میکنم که مطالعه تاریخ صرف یک قرن

۱- Despreau Nicolas Boileau 1711-1636 شاعر و نقاد ادبی فرانسه که از لحاظ

روسی هجوه های ریالیستیک او ستایش می کنند.

۲- Scanderbeg 1468-1404 فرمانداری البانیه نام اصلیش جارج سترویتا بود، در دربار سلطان

مراد دوم عثمانی ماند مسلمانی تربیت گرفت و مورد عطاوت بود. در هنگام احتضار دولت عثمانی به وطن خود رفت، ادعای آزادی و استقلال کرد و نیز مرتد شد

پیش از چارلس پنجم، (۱) لیو دهم (۲) و فرانسس اول (۳) آغاز می‌یابد و این مقارن همان وقتی است که در دماغ بشر، همچنانکه در خود گیتی، انقلاب عظیمی به وقوع پیوست و همه چیز را دستخوش تحول و دگرگونگی نمود.

آنچه که لیو دهم، شاهان و شهزادگان مدیسی (۴) چارلس پنجم و فرانسس اول بنیاد نهادند در قرن ششم، همنند لویی چارده (۵) به پایتخت تکمیل رسید و من از مدت درازی به این سو در پیرامون تاریخی که راجع به قرن گذشته است کسار می‌کنم. این قرن در نظر من خیلی مهم است و فکر میکنم می‌بایست آن به حیث نمونه و سرمشق برای قرن آینده بشمار میرفت، ولی به هر حال درین تاریخ می‌کوشم نشان دهم که وضع تحول فکر بشر و احوال هنرهای زیبا، به حیث کل، در زمان لویی چارده از چه قرار بود. امید من آنست که پیش از آن که چشم از جهان پوشم آن را همچون یادگار قیمنداری از عظمت کشور خود به این سرزمین عزیز تقدیم کنم! این مژده را نیز افتخاراً میرسانم که جهة به سررساندن آن بناء مواد کافی در دسترس دارم. درباره کولبر (۶) بزرگ که خدمات بزرگی برای مین خود و برای دنیا انجام داد و منظورش از آن جز خدمت نبود و درباره هوشیاری و عاقبت اندیشی وزیر جنگی همچون (لویی) (۷) که گویسی برای سوق و اداره قشون فاتحی از مادر

۱- Charles Leopold V 1643-90 فرادرازاده چارلس چهارم دو جنگهای علیه هالند

و در ۱۶۸۳ در مدافع وینا و همچنین در اخراج فرانکها از هنگری حصه گرفت.

۲- LaoX 1475-1521 در ابتدا مصرف یک کفرکار دیپلمات ادب دوست و هنرمند بود خاصه

ازین لحاظ که وی حامی رافائل نقاش معروف بوده شهرت زیاد دارد.

۳- Francis I 1496-1546 یکی از شاهان فرانسه.

۴- خانواده ایتالیایی که از قرن ۱۵ تا اواسط قرن ۱۸ سرنوشته مورانسی را تعیین و تثبیت

می‌کرده اند. مینا، ایشان معلوم نیست و اما به زودی دارای املاک گردیده بامتدافین اروپا و ایتالی

بهم رسانند ازین خانواده سه پاپ، دو ملکه فرانسه و چند کشیش و کاردینال به وجود

آمده بود.

۵- Louis XIV 1638-1715 پادشاه فرانسه

۶- Colbert Charles 1625-96 دیپلمات مشهور فرانسه که در کتب فرانسس

(۱۶۶۸) از کشور خود نمایندگی کرد و مدتی وزیر خارجه لویی ۱۴ بود.

۷- Louvois 1639-91 وزیر جنگ لویی ۱۴ و سیاستمدار مشهور بود.

به دنیا آمده بود و در پیرامون تحولات بزرگی که در وضع اجتماعی و سیاسی اروپا رخ داده بود و در اطراف زندگی شخصی لویی چارده که نظیر سلوک خود براریکه سلطنت در اخلاق خانوادگی نیز سرمشق و سمبول می بود، معلومات و یاداشتهای کافی در اختیار دارم. و نیز یاداشتهای کثیری هم راجع به قصور رش که لابد از هر انسانی، خواه مخواه به ظهور می رسد و میخوام برای جلوه دادن کمالات و فضایلش از آنها تذکر دهم؛ در دسترس دارم. همین اکنون مقوله دلکش هانری چهارم و انطباق آن در حق لویی چارده در ذهن من خطور کرد، آنجا که به سفیر (دون پدرو) (۱) گفت: «آیا مقصودت اینست که کار فرمای تو آنقدر کودن است که فضیلت ارتکاب خطا را ندارد؟» اما اندیشه من بیشتر از این بابت است که نکند، مجال نیابم این طرح بزرگ را به پای رسانم. میخوام این نکته را به خوانندگان روشن کنید که اگر چه تواریخ جدید ما که توسط معاصران نوشته شده اند، به طور عموم به مقایسه تواریخ قدیم تعلق دارند مع هذا تواریخ معاصر، بعضی اوقات، خاصه در تفصیل مشکوک تر میباشند. مطلب اینست که: بشر نظر به موقف، دسته و دینت از همه دیگری متفاوت است. سپاهی، قاضی، پیر و جاسن (۲) و مولن (۳) هر کدام حقایق را از لحاظ متفاوت و به رنگ دیگری می بیند. اگر شخصی از اهل کارتاز بخواند تا ریخ جنگهای پیونیک (۴) را به رشته تحریر کشد چنان نخواهد نوشت که به ذوق مؤرخ رومی برابر باشد. لابد اعمال ناشایستی را بهر و میان نسبت خواهد داد که مؤرخ رومی برقد و بالای اهالی کارتاز روا میدارد. شاید کم دو مؤرخ باستانی یسی بتوان

۱- Don Pedro شهزاده اراگون

۲- 1638-1585 Jansen کشیش رومن کاتولیک آلمانی که باعث ایجاد نهضت مذهبی معروف به (Jansenism) گردید.

۳- 1600-1535 Luis Molina کشیش اسپانوی دکتورین اورا (مالینیسم) گویند. مقصدش از آشتی دادن معتقدات دو فرقه کاتولیک بوده و عقیده داشت که انسان مختار خلق شده است.

۴- Punic نام جنگهای روم و کارتاز بوده که مشتمل بر سه جنگ عمده و آخرین آنها در مدت (۱۴۹-۱۴۶ ق. م) صورت گرفته بوده است.

سراغ کرد که در پیرامون موضوع خاصی علیه همد یگرنو شته و اقامه دلیل کرده باشند. اما اگر چنین مورخان داشتیم در قبول نکاتی که امروز تر دیدنداریم مسلماً مردد می شدیم. ولی به هر حال اگر وقوع حوادثی که در توار یخ ثبت شده اند، مستبعد باشد باز هم توجه ما را جلب می کنند و این به دو دلیل: نخست آنکه حوادث مذکور مربوط به روزگاران پارینه اند: دود یگر آنکه کسی آنها را نقض نکرده است.

نکته جالب اینست که هامورخان معاصر تحت شرایط از هم متفاوت کسار می کنیم. مادر موضوعاتی بحث میکنیم که بین قوای بزرگ همین الان و مادامکه ایشان باهم داخل میدان پیکار اند به وقوع می پیوندد. آتش چنگ در و پاناو لندن و وارسیل (۱) مشتعل است و به نفع هیچیک خاتمه نمی یابد. هر یک ادعای فتح آخرین میکنند و هر یک در حدود خودش قیافه حق بجانب دارد. به تصادم های آراء و نظریات راجع به ماری ستوارت (۲)، جنگهای داخلی انگلستان، اضطرابات هنگری و شورای (ترنت) (۳) عطف توجه فرمایید. و بفرمایید با یکی از شهرداران آلمانی درباره الغای فرمان نانت (۴) صحبت کنید، فوراً متوجه خواهید شد که آن کار مفهومی جز ظلم و مستمگری بی جهة ندارد. اما اگر از یکی از وزرای کابینه فرانسه مشوره بخواهید گویا سیاست عاقلانه بی اختیار نموده اید. حقیقت از بن قرار است که ملتی واحد، در فاصله بیست سال در اطراف مسأله واحد و حتی در پیرامون شخص واحد یک جور فکر نمی کند. و این نکته بی بود که خودم، شخصاً در باره اوینی چارده مشاهده کردم: اکنون سوالی پیدا می شود که آن کدام پست یا مخالفت است که من در باره چارلس دو ازده به آن دست برده ام؟ زیرا من دوره زندگی و سیاست عجیبش

(۱) varsailles یکی از شهرهای فرانسه

۲- Mary Stuart 1542-87 دختر جیمز پنجم پادشاه سکا تلند با فرانسه به این شرط ازدواج کرد که اگر طفل نرینه بی از ایشان به دنیا آمد پادشاه مشترک سکا تلند و فرانسه باشد ولیکن فرانسه سال دیگر مرد اماماری وارث و ملکه فرانسه گردید.

۳- Council of Trent منظور از آن نوزدهمین شورای کلیسای رومن کاتولیک مربوط به فاطمه مسیحیان جهان است

۴- Edict of Nantes منظور از آن. کوشش برای برگرداندن امنیت فرانسه بود که به واسطه جنگهای مذهبی برهم خورده بود نانت از شهرهای صنعتی و کشتی رانی فرانسه است.

را در پرتویاد داشتهای (فابریس) (۱) که مدت هشت سال ندیم و مفسر بش بود و به کمک نامه های (فرویل) (۲) که نماینده سیاسی فرانسه در دربارش بود و به مدد خاطرات (ویلی لانگ) (۳) که چندی یکدسته لشکرش را اداره می کرد و نیز به یاری (پونیاتوسکی) (۳) گردآوردم. همچنین در انجام دادن این امر از سفیر فرانسه، (کروسی) (۵) در دربار چارلس و از بسیار کسان دیگر استشاره و استمداد نموده ام. و من که آن کار را تا این مقدار انجام داده ام تازه می شنوم، امام و پیشنماز شاه، (نورد برگ) (۶) در صدد نوشتن تاریخ حکومت شاه است. یقین دارم انطباعات ملا صاحب با انطباعات ندیم و سفیری که از ایشان یاد کردیم، حتی در موارد خاص، موافق و هماهنگ نمی باشد. اینجاست که باید تکلیف کسان را معاموم کرد، یعنی با چنان شرایط باید چه روشی اتخاذ نمود متوجه تاریخ مرا به مقایسه مطالب ثقه این مؤرخ جدید اصلاح کنید و انگهی بقیه را به قضاوت خوانندگان بیغرض و اگذار نماید. در این صورت و با آنکه من مطالب کتاب خود را بر اساس مدارک پرداخته ام، نقش من در آن موارد چه خواهد بود؟ آری من همچون نقاشی هستم که میکوشد با قلم موی باریک اما حق جوی خود، انسان را چنانکه هست نمایش دهد. چارلس دوازده و پتر کبیر، هر دو، در قبال تاریخ نویسی من دارای اهمیت و مقام مساوی هستند و اگر دومی بر نخست رچحانسی داشته باشد از آن با بیت خواهد بود که برای تأمین سعادت بشر زحمت کشید. چیزین دلیلی موجود نیست که در پیشگاه یکی تملق کنم یا از دیگری بدگویی نمایم. با ایشان همانگونه معامله خواهم کرد که بالوویی چارده میکنم. سلوک من با ایشان به فراخورشان و شکوه شان، یعنی تا جدا رانی که تازه رخ در نقاب خاک کشیده اند، و نیز با در نظر داشتن حق و حقیقت خواهد بود. حقیقتی که مرگ را در حریم آله ابداً یا رای نزد یک شدن نیست.

ختم

-
- (۱) M. de Fabrice
 (۲) M. de Fierville
 (۳) M. de Villelongue
 (۴) M. de Poniatowski
 (۵) M. de croissi
 (۶) Nordberg